

سر محقق زلمی هیوادممل

## جستاری در باره همکاری‌های فرهنگی افغانستان و ازبکستان، در سده بیستم

### **Cultural cooperation between Afghanistan and Uzbekistan at Twentieth century**

*Senior Research Fellow Zalmi Hewadmal*

#### **Abstract**

This article seeks to examine concisely cultural relations between Afghanistan and Uzbekistan at twentieth century in such a way to discuss the key points and evants which had impressed on the strengthening of ties and inform reader about the basic and gradual stages of development this relationship during mentioned period of time and be a guide for those who are interested to conduct further investigation on this topic.

#### **خلاصه**

در این نیشته کوشش شده است که روابط فرهنگی بین افغانستان و ازبکستان در سده بیستم میلادی، نهایت کوتاه و فشرده، طوری بررسی شوند تا نکات برجسته و رخدادهای اثرگذار بر رشد و نیرومندی این رابطه فرو گذاشت نگردند و خواننده از

تمام مراحل اساسی و فرعی انکشاف روابط بین این دو کشور در همین دوران، آگاهی یابد و رهنمودی باشد برای آنانی که می‌خواهند در آینده بر این موضوع تحقیقات گسترده به فرجام برسانند.

مردم افغانستان با مردم ماوراءالنهر روابط دیرینه و گسترده فرهنگی و اجتماعی دوامدار داشته و دارند. این رابطه مردم ما در سده بیستم با ازبکستان، یکی از پاسداران فرهنگ کهنسال ماوراءالنهر، وارد یک مرحله نوین گردید. در سده بیستم روابط فرهنگی افغانستان و ازبکستان، در دو مرحله مطالعه شده می‌توانند.

### مرحله نخست، آغاز مطالعات اکادمیک در باره افغانستان

تحقیقات و مطالعات اکادمیک پیرامون زبان‌ها، ادبیات، تاریخ، اتنوگرافی و گوشه‌های از فرهنگ شفاهی مردم افغانستان، در دهه نخستین سده بیستم در تاشکند آغاز گردیدند و با تأسیس و گسترش مؤسسات تحقیقی و آموزشی اکادمیک شرق شناسی، در اکادمی علوم ازبکستان و پوهنتون دولتی تاشکند، انکشاف یافتند. نخستین کارهای اکادمیک، پیرامون فرهنگ مردم افغانستان در ازبکستان، از ترتیب و نشر دو اثر زیرین آغاز می‌بایند: یکی ترجمان زبان افغانی، تالیف، ا. ایفیموف و دیگری: صرف و نحو و قاموس زبان پښتو، از تومانوویچ. محققین گفته‌اند: ترجمان زبان افغانی یک کتاب درسی می‌باشد که به خاطر آموزش زبان پښتو ترتیب شده بود. در این اثر درسی در حدود شش صد لغت با معنی و تلفظ نیز گرد آمده، در سال ۱۹۰۷م در سلسله آثار لهجه‌های آسیای مرکزی، در تاشکند به چاپ رسیده است. یک سال پس از نشر اثر اولی، در سال ۱۹۰۸ م اثر دومی نیز در همین سلسله در تاشکند چاپ و نشر شد. زبان‌شناسان گفته‌اند، اثر دومی برخی از عناصر صرف و نحو را بیان می‌دارد (۱).

———— جستاری در بارهٔ همکاریهای فرهنگی افغانستان و ازبکستان، در سدهٔ... ————

در سال‌های ۱۹۲۳-۱۹۲۴ م. مقالات سیمینوف در بارهٔ جمشیدیان و معرفی سراج التواریخ در تاشکند به چاپ رسیدند و در سال ۱۹۲۶ م کتاب رهنمای قطغن و بدخشان به زبان روسی ترجمه و در تاشکند چاپ و نشر شد، حواشی و مقدمهٔ این ترجمه را هم سیمینوف نوشت.

تحقیقات، م. س. اندرییف پیرامون طرز معاشرت، رسم و رواج، لهجهٔ پارسی- دری مردم درهٔ پنجشیر، یک منبع مهم برای محققین بعدی گردید. تحقیقات اندرییف زیر نام (در بارهٔ اتنالوجی افغانستان - درهٔ پنجشیر) در سال ۱۹۲۷ م در تاشکند به نشر رسیدند و مواد آن را اندرییف، در دوران اقامت چهار ماههٔ خود در افغانستان تهیه کرده بود (۲).

در مرحلهٔ نخست، پیش از سال ۱۹۵۰ م، آثار و کارهای اکادمیک دو دانشمند دیگر، عزیز نیالو و کاشیواروف، در معرفی ادبیات افغانستان، قابل ذکراند. در مقالات این دو دانشمند جنبه‌های ترقی و بعد اجتماعی ادبیات افغانستان مورد توجه قرار گرفته است. مقالهٔ کاشیواروف (شعرای کابل) نام دارد. در این مقاله اشعار چاپ کردهٔ مجلهٔ کابل در سال ۱۹۳۲ م به زبان روسی برگردان شده، اشعار شاعران را در پرتو ویژه‌گی‌های لسانی فارسی کابلی بررسی و به مطالعهٔ خصوصیات عروضی اشعار نیز پرداخته است. این نبشتهٔ او در (ادبی ازبکستان، ج، ۴-۵، ۱۹۴۵ م.) در تاشکند چاپ و نشر شده است.

عزیز نیالو در نبشتهٔ خود (چاپ، ستارهٔ شرق، شماره، ۳، ۱۹۴۶ م) مکثی بر ابتکارات اشعار شعرای قرن ۱۷، خوشحال خان ختک و عبدالرحمن مومند کرده؛ نزدیکی‌های بین داستان‌های ملی منجانبان پامیر و پشتون‌ها می‌بیند و از مجموعه‌های فولکلور افغانی: ملی هینداره و ملی سندری به گرمی یاد می‌کند (۳)

همچنان عزیز نیالو، مقاله دیگری نیز در باره افغانستان دارد، که در سال ۱۹۴۹م در تاشکند در نشرات اکادمی علوم ازبکستان به چاپ رسیده است (۴).

افزون بر مقاله‌ها و نبشته‌های پیرامون شاخه‌های از فرهنگ، در باره تاریخ، اتنالوجی جغرافیا، زراعت و اقتصاد افغانستان نیز آثاری در همین مرحله تهیه و در تاشکند چاپ و نشر شده‌اند، به گونه مثال:

آ.آ. گاریسکی اثری دارد پیرامون پرورش پخته در افغانستان. این اثر زیر نام (در باره زراعت افغانستان) در سال ۱۹۲۷م. در تاشکند چاپ و نشر گردیده است؛ همچنان، ن.گ. ساپینکو رساله کاندیدی خود را در تعریف و توصیف وضع اقتصادی و جغرافیه افغانستان در سال ۱۹۵۰م. در تاشکند تکمیل کرد (۴).

### مرحله دوم، گسترش مطالعات فرهنگی افغانستان

با نظر داشت به اسناد و مدارک دست داشته، مطالعات و تحقیقات فرهنگ افغانستان در ازبکستان در نیمه دوم قرن بیستم، به یک مرحله جدید انکشافی وارد می‌شوند، ولی زمینه برای آغاز این مرحله پر بار، در بازپسین سال‌های مرحله نخستین مساعد گردید.

در سال ۱۹۴۴م در بدنه پوهنتون دولتی تاشکند، فاکولته مستقل شرق شناسی تأسیس شد، در کنار بعضی زبان‌های خاور زمین، مقدماتی برای تدریس افغان شناسی نیز در این نهاد عالی آموزشی، آماده گردید.

بر علاوه زبان پارسی - دری، در سال ۱۹۴۸م. تدریس زبان پښتو نیز در این فاکولته آغاز گردید و به گونه مضمون مستقل تعلیمی شامل برنامه شد و پروفیسور باقی خالدوف تدریس این مضمون را به عهده گرفت (۵).

چنانکه گفته آمد، آموزش زبان و ادبیات پښتو در فاکولته شرق شناسی برای چند سال بخشی از برنامه‌های آموزشی شعبه پارسی - دری بود. در سال ۱۹۵۳م

———— جستاری در بارهٔ همکاریهای فرهنگی افغانستان و ازبکستان، در سدهٔ...

شعبهٔ مستقل آموزشی و مطالعهٔ زبان و ادبیات پښتو بر ساختار فاکولتهٔ شرق شناسی، پوهنتون دولتی تاشکند، افزوده شد (۶).

آموزش‌ها و مطالعات افغان شناسی در ازبکستان، زمانی پیشرفت‌های چشمگیری یافتند، که عبدالحفیظ غنی‌یف پس از ختم دورهٔ آموزشی عالی در شرق شناسی، از مسکو به تاشکند برگشت و در سال ۱۹۵۵م. به حیث آموزگار در شعبهٔ پښتوی فاکولتهٔ شرق شناسی آغاز به کار کرد. وی برنامه‌های درسی افغان شناسی را مورد بازبینی قرار داد و با نیروی جدید و دلچسپی ویژه به تدریس پرداخت.

عارف عثمان، که در آن زمان شاگرد شعبهٔ پښتوی فاکولتهٔ شرق شناسی بود، در بارهٔ چنین نوشته است: "سال ۱۹۵۵م برای ما شاگردان شعبهٔ پښتو، سال فراموش ناشدنی محسوب شده می‌تواند، زیرا در همین سال معلم جوان عبدالحفیظ غنی‌یف پس از ختم دورهٔ تحصیلی اسپرانتوری در مسکو، به تاشکند آمد و در فاکولتهٔ ما، تدریس کورس‌های ادبیات کهن و معاصر افغانستان را شروع کرد" (۷).

شعبهٔ پښتوی فاکولتهٔ شرق شناسی، نخستین دورهٔ فارغانش را در سال ۱۹۵۷م تقدیم جامعه کرد (۸). شرق شناس سخت‌کوش ازبکستان دوکتور عارف عثمان نیز شامل فارغان این دوره بود. تعداد فارغان دورهٔ نخست به پنج تن می‌رسید و در دورهٔ دوم شمار شاملان شعبهٔ پښتو به هشت نفر ارتقا یافت (۹). بعدها تدریس و آموزش زبان‌ها، ادبیات و فرهنگ افغانستان، در شعبهٔ دری - پښتو (۱۰) و یا شعبهٔ فلالوژی افغانی (۱۱) ادامه یافتند. از فارغان فلالوژی افغانی یکی هم دانشمند سرشناس ازبکستان و افغان شناس پرکار و قابل احترام در حلقات اکادمیک افغانستان، پروفیسور عبدالرحیم منافع است. وی کارش را در فاکولتهٔ شرق شناسی به حیث مدرس تاریخ ادبیات پښتو، فولکلور پښتون‌ها و زبان دری آغاز نمود و بعدها با سخت‌کوشی قابل دید در رشتهٔ فلالوژی افغانی به موفقیت‌های بزرگی نایل آمد.

## نقش سازنده شعبه فلالوژی افغانی

بخش آموزشی فلالوژی افغانی در فاکولته شرق شناسی، از مجاری تدریس زبان‌های پښتو و دری خدماتی بزرگی در راه معرفی فرهنگ افغانستان به فرجام رساند. آموزش و مطالعه فلالوژی افغانی در جریان سال‌های نیمه دوم سده بیستم، زمینه آنرا فراهم ساخت تا یک گروه نیرومندی از جوانان، در این شعبه آموزش ببینند و در فرجام دوره تحصیلی با نگارش مونوگراف‌ها در باره زبان‌ها، ادبیات و گوشه‌های از فرهنگ افغانی، گام‌های استواری در شناسایی فرهنگ افغانستان بردارند.

شماری از فارغان فلالوژی افغانی، به تحصیلات عالی بالاتری در این رشته پرداختند و در مؤسسات اکادمیک ازبکستان چون: اکادمی علوم ازبکستان و پوهنتون دولتی تاشکند و جاهای دیگر به کار گماشته شدند و مطالعات افغان شناسی را در ازبکستان گسترش بخشیدند.

در جریان سال‌های دهه شصت قرن بیستم، استادان شعبه فلالوژی افغانی در ازبکستان، توانستند در رشته‌های گونه‌گون فرهنگ، به ویژه ادبیات و زبان‌های پښتو و دری کاندیدانی را برای دوره تحصیلی اسپرانتوری - معادل Ph.D بپذیرند، این کاندیدان از رساله‌های اسپرانتوری شان در سال‌های دهه هفتاد دفاع کردند.

در جمله شاگردان و فارغان رشته فلالوژی افغانی، افزون بر جوانان ازبکستان، جوانانی از افغانستان، تاجکستان، روسیه و سایر جمهوری‌های شوروی سابق شامل بودند.

گروه فلالوجست‌های افغان شناسی در ازبکستان، با نگارش رساله‌ها برای اخذ دپلوم، دیزرتیشن‌ها و آثار تحقیقی دیگر، شیوه‌های معاصر و نوین تحقیق را معرفی کرده، محققان جوان را با روش‌های جدید برخورد با قضایا و تفسیر حقایق و پدیده‌ها آشنا ساختند.

———— جستاری در بارهٔ همکاری‌های فرهنگی افغانستان و ازبکستان، در سدهٔ ...

این گروه با کارهای سازندهٔ تحقیقی شان، فرهنگ و زبان‌های مردم افغانستان را به ازبکی زبان‌ها و روسی زبان‌ها نیز معرفی کردند و آثار فراوانی به این دو زبان نوشتند و همچنان آثار بدیعی و فولکلور مردم افغانستان را به این دو زبان، به ویژه ازبکی، برگردان کردند و بدین ترتیب برای مردم آسیای مرکزی و روسی زبان‌ها زمینه دادند تا با روح ادبیات بدیعی کلاسیک و معاصر و هم فولکلور مردم افغانستان آشنا شوند.

### فراهمی زمینهٔ همکاری‌های دوجانبه

در تاریخ روابط فرهنگی افغانستان و ازبکستان، سال ۱۹۵۷م. نقطهٔ عطف است، زیرا در همین سال پیمان همکاری‌های فرهنگی، بین افغانستان و اتحاد شوروی وقت، امضا گردید.

عقد این پیمان، زمینه ساز رشد روابط دوجانبهٔ فرهنگی بین افغانستان و ازبکستان نیز شد.

حسب سفارشات مواد این پیمان، رابطهٔ فرهنگی افغانستان با ازبکستان در یک چارچوب حساب شده، در عرصه‌های زیرین گسترش یافت:

(۱): پذیرش محصلان هر دو جانب، برای کسب آموزش‌های عالی در پوهنتون‌های کابل و تاشکند. پس از سال ۱۹۵۷م محصلین از افغانستان به جمهوری ازبکستان سرازیر شدند و در رشته‌های گوناگون علوم معاصر دانش آموختند. در این شمار محصلین، استادان پوهنتون‌های افغانستان نیز شامل بودند، بعضی از آنها در رشته‌های ادبیات شناسی و روان شناسی به تحصیل پرداختند، چون: محمد طاهر علمی، استاد پوهنتون کابل، استادان پوهنتون

ننگرهار عبدالجبار مومند و عبدالستار خان؛ شفیقه یا رقیین عضو علمی اکادمی علوم افغانستان و همینسان عبدالحکیم شرعی جوزجانی.

همچنان از ازبکستان برای تقویه و آموزش بهتر زبان پښتو، عارف عثمان در سال ۱۹۵۸م، عبدالرحیم منانف در سال ۱۹۶۵م. و همینسان آقای صدر الدینوف در سال‌های ۱۹۶۶-۱۹۶۵م. و آقای اورالوف در سال ۱۹۶۵م در پوهنتون کابل درس خواندند (۱۲).

(۲): تبادلۀ محققین و استادان به منظور تحقیق در کتابخانه‌های مراکز اکادمیک، شماری از استادان و محققین افغانستان به منظور تکمیل کارهای تحقیقی و برنامه‌های بازآموزی، در کتابخانه‌ها و مراکز اکادمیک ازبکستان در رشته‌های مختلف علمی به تحقیق و بازآموزی پرداختند. شمار این گونه افراد و اشخاص بیشتر است، ولی من تنها از کارمندان عرصه فرهنگی نام می‌گیرم: کاندیدای کادمیسین دوکتور محمد یعقوب واحدی، شفیقه یارقین، حسین نایل، بسم الله خیرمن، زلمی هیوادل، دکتور مصطفی نژدی، محمد اسمعیل سرین، سرمحقق معتمد شینواری و دیگران... همینسان دانشمندان ازبکستان، که گاه‌گاهی در پروژه‌های انکشافی افغانستان به حیث ترجمان ایفای وظیفه می‌کردند، برای تکمیل کارهای علمی و اکادمیک شان، کتابخانه‌های مراکز فرهنگی و علمی افغانستان مورد استفاده آن‌ها بود و همچنان از معلومات و تجارب دانشمندان افغانستان سود جستند.

(۳): در این دوران استادانی غرض تدریس زبان‌ها، ادبیات و فرهنگ مردم افغانستان در شعبه فلالوژی افغانی، از پوهنتون کابل به تاشکند می‌رفتند، در کنار تدریس به مطالعات نیز می‌پرداختند.



————— جستاری در بارهٔ همکاریهای فرهنگی افغانستان و ازبکستان، در سدهٔ...

استاد غنی‌یف و پروفیسور منانف نوشته‌اند، از سال ۱۹۵۷ م بدینسو متخصصان ارجمند افغانی، مرحوم پاینده محمد زهیر، عبدالحمید حمیدی، عبدالاحد یاری، دوکتور عبدالاحمد جاوید و عبدالرزاق زهیر به منظور تدریس زبان‌های پښتو و دری به تاشکند دعوت شدند که نمونهٔ خوبی از همکاری‌های علمی شمرده می‌شود (۱۳). همچنان در سال‌های دههٔ هشتاد سده پیشین، استادان ازبکستان نیز غرض تدریس در پوهنتون کابل به افغانستان آمده بودند. از جمله نام‌های استاد طلعت و لاله کریمووا قابل ذکر است. زمانی در سال ۱۹۷۸ م. زبان ازبکی در نصاب درسی افغانستان شامل شد، برای رهنمایی کتاب نویسان نصاب درسی زبان ازبکی، شماری از دانشمندان ازبکستان به کابل دعوت شدند، در این گروه نام دوکتور عارف عثمان قابل یادآوری است. استاد عارف عثمان به تعقیب مشوره دهی به کارمندان تألیف و ترجمهٔ وزارت معارف افغانستان، به کارش به حیث مشاور مرکز بین المللی تحقیقات پښتوی اکادمی علوم افغانستان، برای چند سال ادامه داد.

(۴): ترجمهٔ آثار ادبی و فرهنگ شفاهی مردم افغانستان و هم ترجمهٔ مطالعات و تحقیقات دانشمندان ازبکستان در همین دوران آغاز شد و انکشاف یافت. عارف عثمان نوشته است: به منظور آشنایی خواننده‌گان از بکی زبان با ادبیات افغانستان، سال گذشته (۱۹۵۷ م). از سوی بنگاه نشریات دولتی ازبکستان، ترجمهٔ ازبکی کتاب (پښتو قصی) چاپ شد، مترجمان آن عبدالحفیظ غنی‌یف و حسین علی‌یف اند (۱۴). در سال ۱۹۵۸ م ترجمهٔ ازبکی دو اثر ادبیات افغانستان یکی اشعار و دومی داستان‌ها، به نشر رسیدند، مترجم آن تنها غنی‌یف است (۱۵). همچنان آثار و تحقیقات دانشمندان ازبکستان از زبان‌های ازبکی و روسی در

افغانستان به زبان‌های دری و پښتو ترجمه و چاپ شدند و این سلسله ترجمه آثار از سوی افغان‌ها بعدها نیز دنبال گردید.

دانشمند کشور ما، دوکتور عبدالحکیم شرعی جوزجانی، آثار آباووا، غنی‌یف، عثمانف و پولادعثمان را از ازبکی به زبان دری ترجمه کرده، در روزنامه‌های افغانستان به چاپ رسیده‌اند. ترجمه‌های دری شرعی جوزجانی به زبان پښتو نیز ترجمه و در مطبوعات کابل چاپ شدند، مترجمین پښتوی آن: عبدالرحیم خُدران، زلمی هیوادم، عبدالواجد، خیر محمد شینواری و عبدالقیوم نورزی می‌باشند.

همچنان آثار باقی خالدوف، غنی یف، عثمانف، منانف و یعقوبووا را از زبان روسی به زبان پښتو: مندیزی شینواری، دوکتور دولت محمد لودین، معتمد شینواری و محمد طاهر علمی ترجمه کرده، در نشرات کابل به چاپ رسیده‌اند. دانشمندان افغانستان، شفیقه یارقین، رحیم ابراهیم (۱۶) و دیگران نیز آثار دانشمندان ازبکستان را از زبان ازبکی به دری ترجمه نموده‌اند و همینسان نبشته پولاد عثمان، درباره باقی خالدوف را خیر محمد شینواری برگردان کرده، در سال‌های هفتاد در جریده زیری چاپ شده است.

(۵): در سال‌های دهه هشتاد قرن بیستم، همکاری‌ها و روابط نزدیک بین اتحادیه‌های نویسندگان افغانستان و ازبکستان ایجاد گردیدند. این رابطه باعث شد که شرایط بهتری برای آشنایی ادبیات ازبکستان در افغانستان آماده گردد. مجله ژوندون، ارگان نشراتی انجمن نویسندگان افغانستان، در هر دو نسخه پښتو و دری خود، نشرات ویژه درباره ادبیات ازبکستان داشت و هیئت‌های از شاعران و نویسندگان افغانستان، به ازبکستان دعوت شدند. طی سال‌های متمادی دانشمندان، نویسندگان و شاعران نامدار افغانستان مهمان اتحادیه نویسندگان ازبکستان بودند، چون: دوکتور روان فرهادی، محمد دین ژواک، محمد صدیق

———— جستاری در بارهٔ همکاریهای فرهنگی افغانستان و ازبکستان، در سدهٔ...  
روهی، عبدالرحیم خُدران، حسین نایل، محمد ابراهیم عطایی، ناصر رهیاب، استاد  
رهنورد، استاد واصف باختری، عبدالباری جهانی، معتمد شینواری، زلمی  
هیوادم، زرین انخُور، بریالی باجووری، دوکتور واحدی، شفیقه یارقین، عظیمی،  
دوکتور ابهر و دیگران...

(۶): آثار پنبتو و روسی دانشمندان ازبکستان هم در همین دوران در سلسلهٔ  
نشرات موقوت و غیر موقوت کابل چاپ و نشر شدند. دانشمندانی که آثار پنبتو و  
نَبشته های روسی آن‌ها، در رابطه به مسایل لسانی و ادبی مردم افغانستان، بدون  
ترجمه، به زبان اصلی نگارشی، در کابل چاپ گردیده‌اند، عبارت اند: از غنی‌یف،  
عثمانف، منانف، قابل صادقوف و عمر زاق زاهدوف.

شایسته به یاد آوری است که بنگاه نشراتی رادوگا، شعبهٔ تاشکند آن، در  
سال‌های دههٔ هشتاد قرن گذشته، ترجمه‌های آثار ادبی و هنری نویسنده‌گان  
شوروی را به زبان‌های پشتو و دری تهیه دیده، در تاشکند چاپ می‌کرد و به  
افغانستان می‌فرستاد.

(۷): اشتراک دانشمندان هر دو جانب در کنفرانس‌ها، سمینارها و همایش‌های  
علمی همدیگر. اگر چه آمد و شدهای به این منظور، پیش از به میان آمدن پیمان  
رسمی کلتوری، در نیمهٔ اول سدهٔ بیستم نیز موجود بودند، ولی بعدها رفت و آمدهای  
این چینی فزونی یافتند. به گونهٔ مثال، در سال ۱۳۲۵ هجری خورشیدی، هیئتی از  
دانشمندان افغان: استاد حبیبی، دوکتور محمد انس و سرور گویا، در مراسم بیست و  
پنجمین سال تأسیس پوهنتون تاشکند، اشتراک کرده بودند (۱۷).

استاد حبیبی در سال ۱۹۶۹م در سمپوزیم هنر عهد تیموریان در سمرقند اشتراک کرد و محتمل است که استاد، کتاب قطورش (هنر عهد تیموریان) را پس از اشتراک در همین سمپوزیم تکمیل کرده باشد.

در نیمه دوم قرن بیستم، بر بنیاد همکاری‌های علمی و فرهنگی، دانشمندان افغانستان در کنگره‌های خاورشناسان و نویسندگان آسیا و افریقا و همایش‌های علمی و سمینارهای نوایی و بزرگان دیگر فرهنگی، منعقدۀ ازبکستان اشتراک کردند و بدین ترتیب دانشمندان ازبکستان در سمینارهای ما اشتراک می‌نمودند. غفور غلام، دانشمند نامدار ازبکستان، در سمینار تجلیل از پنجصد و پنجاهمین سال تولد جامی در کابل اشتراک کرد، با دانشمندان افغان ملاقات‌های داشت و در سمینار مقاله‌ای زیر عنوان: (شاعر و متفکر بزرگ شرق عبدالرحمن بن احمد جامی) تقدیم داشت که در مجموعه مقالات همان سمینار به چاپ رسیده است (۱۸).

از ۳۱ جولای تا ۴ اگست سال ۱۹۶۷م. سمینار نسخ خطی از سوی وزارت اطلاعات و کلتور در کابل برگزار شد، در کنار مستشرقان و نسخه‌شناسان کشورهای دیگر، عزت سلطائف، عبدالله کریموف و قیوم الدین منیروف، دانشمندان ازبکستان نیز در این سمینار اشتراک کردند و در جلسات علمی سمینار سخنرانی داشتند. (۱۹) افغانستان شناس نامور، دوکتور عارف عثمان در سمینارهای: خوشحال، سمینار نسخ خطی، سمینارهای نوایی و ظهیرالدین بابر، عمر زاق زاهدوف در سمینار میا فقیر الله جلال آبادی و دوکتور عبدالرحیم منائف در سمینار هزاره فردوسی در سال ۱۳۶۹هـ ش اشتراک ورزیده بودند.

من در اینجا صرف نام چند بزرگوار را به گونه مثال یاد کردم، ورنه تعداد شخصیت‌های که در مجالس علمی هر دو طرف سهم گرفته‌اند، بیشتر از این است.

———— جستاری در باره همکاریهای فرهنگی افغانستان و ازبکستان، در سده...  
دوکتور واحدی و دوکتور شفیقه یارقین در آغازین سالهای دهه نود سده قبل در  
همایشهای علمی ازبکستان اشتراک کرده بودند.

### **پخش و نشر برنامه‌های رادیویی برای افغانستان**

در سالهای آغاز، بازپسین دهه سده بیستم، رادیو تاشکند به پخش و نشر  
برنامه‌های رادیویی برای افغانستان و به زبان‌های افغانستان پرداخت. آغاز این برنامه‌ها  
گام استوار دیگری بود، در گسترده‌گی روابط فرهنگی بین افغانستان و ازبکستان.  
در سال ۱۹۹۴م. خانم روضه مجیدونا مدیر شعبه پنبتو و دری را دیو تاشکند،  
در نامهای و عبدالجبار مومند کارمند افغانی این برنامه، در مصاحبه کتبی برایم  
نوشتند: نخستین برنامه پنبتو روز اول جنوری سال ۱۹۹۱م. از رادیو تاشکند پخش  
گردید، پس از فروپاشی شوروی و آزادی ازبکستان، در روز اول سپتمبر ۱۹۹۱م،  
پخش برنامه‌های دری و پنبتو برای افغانستان ادامه دارند، کارمندان افغان، از یک  
و روس در تهیه این برنامه سهم می‌گیرند. این برنامه‌های نشراتی دیر نماندند و  
اکنون نشر نمی‌شوند.

### **نتیجه**

این گزارش تحقیقی، در باره روابط افغانستان و ازبکستان در گستره فرهنگ، به  
ما نشان می‌دهد که رابطه فرهنگی این دو کشور در سده بیستم با فرقه‌های  
مشهودی نسبت به قرون پیشین، در چهارچوب نظام‌های دولتی به گونه پیشرفته و  
نویین، در نخستین دهه سده گذشته میلادی آغاز گردید و در دو مرحله اساسی راه  
انکشافی پیمود.

ما در بین هر مرحله، در مقاطع ویژه به اقداماتی رو به رو می‌شویم که به حیث  
یک نقطه قابل توجه بر پیشرفت این روند تاثیری می‌گذارد، به انکشاف روابط

کمک می‌نماید و آنرا در یک موقف پیشرفته تری قرار می‌دهد، این نقاط شاخص و مؤثر درون مرحله‌یی را می‌توان مراحل فرعی نامید.

از این تحقیق مستفاد می‌گردد که با آغاز نخستین مطالعات اکادمیک در ارتباط به فرهنگ افغانستان در تاشکند، روابط فرهنگی بین دو کشور در سده بیستم در یک روند نوین آغاز شدند. تدریس زبان‌های دری و پښتو در فاکولته شرق شناسی پوهنتون دولتی تاشکند این روابط را تقریباً گسست ناپذیر کرد و در تربیه کادرهای افغان شناسی و گسترش مطالعات فلاوژی افغانی از خود مؤثریت ستودنی به جا گذاشت.

امضای پیمان کلتوری بین افغانستان و شوروی سابق، عامل دیگری در گسترده‌گی و استواری این روابط شمرده می‌شود، افغانستان عملاً در این روند شامل گردید و روابط فرهنگی بین افغانستان و ازبکستان را تقویت دوجانبه بخشید. عرضه خدمات رسانه‌یی برای افغانستان گام مهم دیگری در گسترش روابط فرهنگی افغانستان و ازبکستان بود و بدین ترتیب این رابطه با دست آوردهای چشمگیری وارد سده بیست و یکم گردید.

————— جستاری در بارهٔ همکاریهای فرهنگی افغانستان و ازبکستان، در سدهٔ...

## مآخذ

- (۱): دوروفبویوا. په شوروی اتحاد کې د افغانستان د ژبو زده کړه او مطالعه، د خلوپینتو کلونو په دوره کې شوروی افغان پېژندنه، ژباړه: لودمیلا یا خیویچ، مسکو، ۱۹۶۱م، ص ۶۹.
  - (۲): آخرامویچ. په شوروی اتحاد کې د افغانستان د تاریخ زده کړه، شامل مجموعهٔ یاد شده، صص ۱۹-۲۲.
  - (۳): گ . ف . گیرس. په شوروی اتحاد کې د افغانستان د ادبیاتو زده کړه، همانجا، صص ۹۹ - ۱۰۰.
  - (۴): ن، گوریویچ: په شوروی اتحاد کې د افغانستان د اقتصاد زده کړه، همانجا، ص ۵۲.
  - (۵): عبدالحفیظ غنی یف و عبدالرحیم منانف. په شوروی ازبکستان کې افغان پېژندنه، ترجمه: محمدطاهر علمی، کابل (مجله) شمارهٔ ۷، ۱۳۵۴ هـ. ش، صص ۸۵ - ۸۶.
  - (۶): عثمانف، عارف. په شوروی ازبکستان کې پینتو ته توجه، کابل (مجله) شمارهٔ ۱۳، ۱۳۳۷ هـ. ش، ص ۳۲.
  - (۷): همانجا، ص ۳۲.
  - (۸): غنی یف و منانف، همانجا، ص ۸۷.
  - (۹): عثمانف، همانجا، صص ۳۲ - ۳۳.
  - (۱۰): غنی یف و منانف، همانجا، ص ۸۹.
  - (۱۱): منانف، عبدالرحیم. روښانی ادب، تاشکند، ۲۰۰۶م، ص ۳۵۵.
- (12): A. Mannov; S.Buranov: Afghan studies in Uzbekistan, Tashkent, 2019, P.23 am, P.47
- (۱۳): غنی یف و منانف، همانجا، ص ۹۱.
  - (۱۴): عثمانف، همانجا، ص ۳۳.

- (۱۵): همانجا، ص ۳۳.
- (۱۶): رحیم، ابراهیم. مقاله ششم، در مجموعه حماسه و یونکی مبارز شاعر، کابل، ۲۰۰۵م، صص ۵۱-۶۸.
- (۱۷): زریاب، رهنورد. شمعی در شبستان، چاپ دوم، کابل، ۱۳۸۶ه.ش، ص ۱۷.
- (۱۸): غفور، غلام. شاعر و متفکر بزرگ شرق عبدالرحمن بن احمد جامی؛ مجموعه مقالات سمینار تجلیل از پنجصد و پنجاهمین سال تولد عبدالرحمن جامی، کابل، ۱۳۴۴ه.ش، صص ۹۵-۱۰۶.
- (۱۹): مطالعات افغان شناسی در ازبکستان، همانجا، ص ۴۹.